

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس جلسه ۶، معنی و نیاز ما به مکاشفه مکاشفه عمومی بیرونی، مزمور ۱۹: ۱-۶ و رومیان ۱: ۱۸-۲۵

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه در کتاب مقدس. این جلسه ششم، معنی و نیاز ما به مکاشفه است. مکاشفه عمومی بیرونی، مزمور ۱۹: ۱-۶ و رومیان ۱: ۱۸-۲۵.

لطفاً با من دعا کنید. پدر مهربان، از تو سپاسگزاریم که تصمیم گرفتی خود را به بشریت در وحی عمومی و به قوم خود در وحی خاص، به ویژه در تجسم پسر و موعظه پیامبران عهد عتیق و رسولان در عهد جدید و به ویژه در کلام مکتوب خود، آشکار کنی. از تو سپاسگزاریم، ما را برکت بده، دعا می‌کنیم، و خانواده‌های ما را از طریق عیسی مسیح پروردگارمان طلب می‌کنیم. آمین.

شناخت خدا از طریق وحی. می‌خواهیم به معنای وحی و سپس نیاز خود به وحی نگاهی بیندازیم.

یک فرهنگ لغت استاندارد، وحی را اینگونه تعریف می‌کند: «افشا یا ابلاغ دانش، دستورالعمل‌ها و غیره از طریق ابزارهای الهی یا ماوراءالطبیعه». فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد.

گرفته شده است که به معنای (veslation) از کلمه لاتین مکاشفه (veslation) کلمه انگلیسی مکاشفه از این کلمه لاتین برای ترجمه کلمه یونانی (Vulgate) آشکار کردن، پرده برداشتن، و برهنه کردن است. ولگاته استفاده می‌کند که به معنای افشای وحی است. عهد جدید معمولاً از (apocalypsis) آپوکالیپسیس آپوکالیپسیس برای اشاره به کشف حقایق پنهان پیشین، به ویژه در مورد خدا و نقشه او، استفاده می‌کند.

این کاربرد، ریشه در دیدگاه رایج عهد عتیق دارد که خداوند خود را در اراده‌اش به اسرائیل شناسانده است. این ایده از مکاشفه چنان در عهد عتیق و جدید جریان دارد که می‌توانیم از مفهوم کتاب مقدسی مکاشفه صحبت کنیم. خداوند خود را به روش‌های مختلفی بیان می‌کند که اغلب به عنوان مکاشفه عمومی و خاص طبقه‌بندی می‌شوند.

وحی عام به خودآشکارگی خدا به همه افراد در همه زمان‌ها و مکان‌ها اشاره دارد که نشان می‌دهد او کیست و همه مردم را پاسخگو می‌سازد. وحی عام به خودآشکارگی خدا به همه مردم در همه زمان‌ها و همه جا اشاره دارد که تا حدی نشان می‌دهد او کیست و همه مردم را به عنوان خدا در برابر او پاسخگو می‌سازد. وحی خاص به خودآشکارگی خدا به افراد خاص در زمان‌ها و مکان‌های خاص اشاره دارد که آنها را قادر می‌سازد تا با او وارد یک رابطه رستگاری شوند.

یک بار دیگر، وحی خاص، در مقابل وحی عام، که از وحی عام متمایز است، به خودافشایی خداوند به افراد خاص در زمان‌ها و مکان‌های خاص اشاره دارد که آنها را قادر می‌سازد تا با او وارد یک رابطه‌ی رهایی‌بخش شوند. بنابراین، می‌گوییم که وحی خاص رستگاری‌بخش است، اما وحی عام اینطور نیست. توضیحات بیشتر در ادامه خواهد آمد.

کتاب «الهیات مسیحی» نوشته میلارد اریکسون، صفحات ۱۷۷ تا ۲۴۵، در زمینه تمایز قائل شدن بین وحی عام و خاص مفید است. الهیات مسیحی میلارد اریکسون، ۱۷۷ تا ۲۴۵. نیاز ما به وحی دو جنبه دارد.

خدا نامتناهی است و ما متناهی. خدا مقدس است و ما گناهکار. نیاز ما به وحی، خدا نامتناهی است و ما متناهی.

خدا خالق بی‌نهایت است و ما مخلوقات محدود او هستیم. منظور ما از بی‌نهایت این است که خدا نامحدود است. او به اصطلاح محدود است، یا بهتر است بگوییم با ویژگی‌های خودش تعریف می‌شود.

بنابراین، او به این معنا نامحدود نیست که بتواند نامقدس یا نادان شود. او کامل است. او در تمام کمالات خود نامحدود است، که بیان خوبی برای این موضوع است.

کتاب مقدس به این واقعیت اشاره می‌کند و به طور خاص به قدرت و فهم او اشاره می‌کند. مزمور ۵: ۱۴۷ نقل قول: پروردگار ما بزرگ است، قدرتش بی‌کران. فهم او بی‌نهایت است.

خداوند ما عظیم و قدرتمند است. فهم او بی‌نهایت است. مزمور ۵: ۱۴۷. اشعیا می‌گوید، نقل قول: خداوند خدای جاودان، خالق تمام زمین است.

او هرگز ضعیف یا خسته نمی‌شود. هیچ محدودیتی برای درک او وجود ندارد. اشعیا ۲۸: ۴۰. این خدای بی‌نهایت، عظیم و بی‌نظیر است.

او به تنهایی والا و بلندمرتبه است. اشعیا ۱۵: ۵۷. و هیچ کس مانند او نیست. در مقایسه با این خدای بزرگ و بی‌کران، ما بسیار محدود هستیم.

ما هرگز نمی‌توانیم دانش خدا را بیاموزیم یا او را بشناسیم، مگر اینکه او ابتکار عمل را به دست گیرد و به ما بگوید که کیست. خوشبختانه، خدای بی‌کران ما سخاوتمندانه خود را به ما، مخلوقات ضعیف و محدودش، آشکار می‌کند. سوء تفاهم نکنید.

مزمور ۱۳۹ می‌گوید ما به طرز شگفت‌انگیزی ساخته شده‌ایم، و همین‌طور هم هست. اما نکته‌ی اصلی ما در حال حاضر این است که ما به طرز شگفت‌انگیزی ساخته شده‌ایم. تمایز خالق و مخلوق تا ابد ادامه دارد.

در زمین جدید به عنوان موجوداتی جامع و رستاخیز یافته، اول قرن‌تین ۱۵ بدن‌ها و شخصیت‌های رستاخیز یافته ما را فسادناپذیر، جاودانه، قدرتمند، باشکوه و روحانی توصیف می‌کند، یعنی تحت کنترل روح‌القدس به روشی که حتی نمی‌توانیم آن را درک کنیم. و همه اینها توصیفی از زندگی ابدی است که در زمین جدید از آن لذت خواهیم برد. با این وجود، ما همچنان مخلوقات خدا خواهیم بود.

حال، ما از آن او هستیم؛ تا جایی که به مؤمنان مربوط می‌شود، ما مخلوقات نجات‌یافته‌ی او هستیم که در بدن‌های فانی حیات ابدی داریم. سپس، در رستاخیز، ما مخلوقاتی نجات‌یافته خواهیم بود که در بدن‌های فناپذیر حیات ابدی داریم. اما جایگاه مخلوقی ما دائمی است.

اوه، آغازی داشت؛ ما آفریده شدیم، اما پایانی ندارد. در مقابل، البته، مزمور ۹۰، از ازل تا ابد، تو خدایی. خدا، آغازی ندارد و پایانی هم ندارد.

به دو دلیل، ما به وحی نیاز داریم. اولین دلیل، محدودیت ماست. در مقابل خدای بی‌نهایت، که در تمام کمالات خود نامحدود است، ما بسیار محدود هستیم.

دوم اینکه، ما به وحی نیاز داریم زیرا خدا مقدس است، و ما مقدس نیستیم. ما انسان‌ها علاوه بر اینکه محدود به محدودیت هستیم، گناهکار نیز هستیم. فرشتگان اعلام می‌کنند، نقل می‌کنند که مقدس، مقدس، مقدس است خداوند متعال.

جلال او زمین را پر می‌کند، اشعیا ۶:۳. اشعیا در این باره فریاد می‌زند: وای بر من، زیرا هلاک شده‌ام، زیرا مردی ناپاک لب هستم، زیرا چشمانم پادشاه، خداوند لشکرها را دیده است، اشعیا ۶:۵. خداوند خشم خود را، آشکار می‌کند، خشمی که علیه هرگونه بی‌دینی و بی‌عدالتی مردم نقل شده است، رومیان ۱:۱۸. در واقع انسان‌های سقوط کرده نقل می‌کنند، تفکرشان بی‌ارزش شد و قلب‌های بی‌معنی‌شان تاریک گشت. ادعای حکمت می‌کردند، اما احمق شدند، رومیان ۱:۲۱ و ۲۲.

ما که به دلیل محدودیت خود و گناهانمان نابینا شده‌ایم، هرگز در شناخت خدا یا حقیقت درباره او موفق نخواهیم شد. جدا از وحی خدا، همه انسان‌ها تصورات غلطی از او دارند، اما به طرز شگفت‌آوری، او با لطف خود، خود را به آدم و حوا و از آن زمان به هر انسانی شناساند. اگرچه ما گم شده‌ایم و شناخت تحریف‌شده‌ای از او داریم، اما خدا خود را در این [مکان] آشکار می‌کند.

بنابراین، وحی بخشنده است. من از دوست قدیمی‌ام دیوید جی. دانبار به خاطر برخی از این نظرات تشکر می‌کنم و از او یاری می‌طلبم. اکنون به شناخت خدا از طریق وحی عمومی می‌پردازیم.

عنوان بعدی ما این است که خدا خود را در آفرینش آشکار می‌کند. همانطور که قبلاً گفته شد، شناخت خدا، از طریق وحی عمومی، خدا خود را هم در وحی عمومی و هم در وحی خاص آشکار می‌کند. در وحی خاص همانطور که قبلاً گفتیم، او خود را به افراد خاص در زمان‌ها و مکان‌های خاص آشکار می‌کند.

در اولی، یعنی مکاشفه عمومی، او خود را به همه مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌شناساند. سه شکل اصلی مکاشفه عمومی وجود دارد که به خواست خداوند، به ترتیب آنها را بررسی خواهیم کرد.

خلقت، بشریت و مشیت. خداوند خود را در جهانی که آفریده است، که شامل انسان‌ها نیز می‌شود، آشکار می‌کند. خداوند با آفرینش ما به تصویر خود و با نگاشتن شریعت خود بر قلب انسان از بدو خلقت، خود را در بشریت آشکار می‌کند.

همانطور که خواهیم دید، خدا خود را در مشیت الهی یا تاریخ آشکار می‌کند. بنابراین، تحت عنوان وحی عمومی، ما وحی در خلقت، بشریت و مشیت الهی را داریم. خدا خود را در خلقت آشکار می‌کند.

می‌خواهیم این بخش‌ها را بررسی کنیم: مزمور ۱۹، رومیان ۱، و یوحنا ۱. ما به جزئیات آنها نمی‌پردازیم بنابراین بیابید به مزمور ۱۹ بپردازیم. مزمور ۱۹ در مورد آشکار شدن خود توسط خدا در جهانش، آیات ۱ تا و سپس در کلامش، در آیات ۷ و بعد از آن صحبت می‌کند. مزمور ۱۹: ۷ تا ۱۱، ۱۲ تا ۱۴، مزمور را با یک، ۶، دعا به پایان می‌رسانند.

مزمور ۱۹، آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند، و فلک بالا از عمل دست‌های او سخن می‌گوید. روز به روز سخن می‌گوید، و شب به شب دانش را آشکار می‌کند. هیچ صدایی نیست، و هیچ کلامی نیست که صدایش شنیده نشود.

صدای آنها از زمین بیرون می‌رود و سخنانشان تا اقصای جهان می‌رود. در آنها، او خیمه‌ای برای خورشید برپا کرده است که مانند دامادی که از حجله خود بیرون می‌آید، بیرون می‌آید و مانند مردی قوی، با شادی در

مسیر خود می‌دود. طلوع آن از یک کران آسمان و مدار آن تا اقصای آنها است و هیچ چیز از گرمای آن پنهان نیست.

بنابراین، مزمور از مکاشفه عمومی در خلقت به مکاشفه خاص در کلام خدا حرکت می‌کند. شریعت خداوند کامل است و جان را زنده می‌کند. شهادت خداوند مطمئن است و ساده‌لوح را حکیم می‌سازد.

فرائض خداوند راست است و دل را شاد می‌کند. فرمان خداوند پاک است و چشم را روشن می‌سازد. ترس خداوند پاک است و تا ابد پایدار.

احکام خداوند کاملاً درست و عادلانه است. آنها از طلا، حتی طلای ناب، مرغوب‌ترند. همچنین از عسل و قطرات شانه عسل شیرین‌ترند.

علاوه بر این، بنده تو از آنها متنبه می‌شود. در حفظ آنها پاداش بزرگی نهفته است. توجه ما به ویژه به شش برای آموزه وحی *Textus classicus*، آیه اول معطوف است که این متن را در واقع متن کلاسیک عهد عتیق خدا در جهانش، در خلقتش، توصیف می‌کند.

آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند، و آسمان بالا، کار دست او را اعلام می‌کند. این یک توازی مترادف است و با استفاده از استعاره به ما می‌گوید که آسمان‌ها واقعاً صحبت نمی‌کنند. او، اما آنها، گویی، به صورت مجازی صحبت می‌کنند.

آنها جلال، زیبایی و شکوه خدا را اعلام می‌کنند. و آسمان بالا، به موازات آسمان‌ها، کار دست او را اعلام می‌کند. خلقت جهان توسط خدا، چیزی از عظمت، شکوه و جلال او را نشان می‌دهد و گواهی بر این واقعیت است که او سازنده آن است.

هر آدم می‌گوید، انگار خدا مرا آفریده، خدا مرا آفریده. قبلاً در مورد همکارم با شما صحبت کردم که مدافع مسیحیت شد و در یک مدرسه علمیه تدریس می‌کرد، کسی که در جوانی آنقدر افسرده بود که برای خودکشی به دامنه تپه‌ای رفت. و وقتی به آسمان‌ها، به افلاک، به خورشید، به زیبایی نگاه کرد، چشمانش را پایین انداخت و درختان و چمن و زیبایی همه اینها و نظم همه اینها را دید، متقاعد شد که باید هنرمندی وجود داشته باشد تا چنین اثر زیبایی خلق کند.

و در واقع، او در طول زندگی خود خداوند را شناخت، ادامه داد، مطالعه کرد، خدمت کرد و به بسیاری از مردم کمک کرد. آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند، و آسمان بالا، کار دست او را اعلام می‌کند. بنابراین این وحی در همه جا زیر آسمان‌ها، یعنی در همه جا، رخ می‌دهد.

این وحی جهانی است، از این رو وحی عمومی نامیده می‌شود. بنابراین برای همه افرادی که می‌توانند آسمان‌ها و خلقت خدا را ببینند یا تجربه کنند، قابل دسترسی است. ممکن است این سوال را بپرسیم که این اتفاق چه زمانی رخ می‌دهد؟ و آیه ۲ به ما پاسخ می‌دهد.

روز به روز، گفتار را جاری می‌کند، استعاره گسترش می‌یابد و شب به شب، دانش را آشکار می‌کند. هر روز، هر شب، همه انسان‌ها، گناهکاران و مقدسین، با این واقعیت بمباران می‌شوند که خدا موجودی باشکوه است و خدا، خدای خالق هر چیزی است که در جهان خود می‌بینند. مردمان بدوی، بدون دسترسی به کتاب مقدس، بلکه حتی به خط و زیان نوشتاری، مفاهیمی از یک یا چند خدا دارند.

حالا، آنها به خاطر گناه، به خاطر گناه آدم و گناهان خودشان نقص دارند، اما با این وجود، آیا چیزی به عنوان یک قوم بدوی وجود دارد که کاملاً بی‌خدا باشد؟ من فکر نمی‌کنم. آنها ممکن است خلقت خدا را پرستند، که به طرز عجیبی گواه عظمت آن است، اما این مخلوق اوست، و خدا نیست. سی. اس. لوئیس به طور مشهور توضیح داد که یکی از نتایج تغییر دین او این بود که اکنون وقتی به جهان نگاه می‌کند، بسیار بهتر است زیرا دیگر آن را به عنوان تمام وجود نمی‌بیند، همانطور که وقتی یک پانتئیست بود، می‌دید، یعنی این ایده که خدا همه چیز است و همه چیز بخشی از خداست.

حالا او جهان را محصول کار خدای خالق می‌دید، و شگفت‌زده می‌شد. او شگفت‌زده می‌شد. او به خصوص از شنا کردن لذت می‌برد، و فکر می‌کنم زمانی بود که صبح‌ها عبادت می‌کرد و برای شنا می‌رفت، و عاشق آب و مناظر و صداها و بوهای اطرافش بود.

او در دنیای خوب خدا شادمان بود. آیه ۳ می‌تواند دو ترجمه داشته باشد؛ نه گفتاری وجود دارد و نه کلمات آنها؛ در واقع، توضیح اینکه این یک استعاره است غیرضروری به نظر می‌رسد، اما شعر، شعری است که انجام می‌دهد، به این معنی است ESV صدایش شنیده نمی‌شود. باز هم، آن ترجمه، که همان کاری است که که من اینجا صرفاً شاعرانه صحبت می‌کنم، صرفاً استعاری صحبت می‌کنم، نه به معنای واقعی کلمه، یا می‌توان آن را به این صورت ترجمه کرد که هیچ گفتاری وجود ندارد و کلمات آنها جایی نیست که صدایشان شنیده شود.

یعنی، نه تنها وحی خدا در خلقت هر روز و هر شب در جریان است، بلکه جهانی است. در واقع، صرف نظر از اینکه آیه ۳ را چگونه ترجمه کنیم، آیات ۴ تا ۶ گواهی بر همین حقیقت، یعنی جهانی بودن وحی عمومی هستند. آیه ۲ ثبات آن را نشان می‌دهد، این واقعیت که همیشه روز و شب ادامه دارد.

آیات ۴ تا ۶، با اشاره به خورشید به عنوان گوی اصلی آسمان، که هدف اصلی مشاهده انسان است، دایره‌ای را ترسیم می‌کند و بدین ترتیب نشان می‌دهد که وحی خدا در همه جا وجود دارد. وحی او در آفرینش. صدای آنها در سراسر زمین و سخنان آنها تا اقصی نقاط جهان می‌رسد.

این یک بیان جهان‌شمولی است. در آنها، او برای خورشید خیمه‌ای فرستاده است. در اینجا یک شخصیت‌پردازی مطرح می‌شود: خورشید به عنوان یک دونده یا یک داماد تصویر شده است.

در آنها، او خیمه‌ای برای خورشید برپا کرده است، که مانند دامادی که حجله خود را ترک می‌کند و می‌رود تا همسرش را ببرد، بیرون می‌آید و مانند مردی قوی، با شادی در مسیر خود می‌دود. بنابراین، خورشید از خیمه خود بیرون می‌آید و گویی مسابقه خود را در آسمان‌ها آغاز می‌کند. در حال طلوع است؛ طلوع خورشید از یک سر آسمان و در مداری تا انتهای آن است.

و هیچ چیز از حرارت آن پنهان نیست. این، باز هم، بنابراین بزرگترین تمرکز از نظر شمارش بینی‌ها یا تعداد آیات، نه تنها واقعیت وحی خداوند در خلقت و ثبات آن، بلکه جهانی بودن آن نیز هست. هر انسانی در معرض وحی خداوند در خلقت قرار دارد.

این یک تفسیر زنده است. در اینجا چند یادداشت وجود دارد که همین موضوع را بیان می‌کنند. من آنها را از طریق تأکید و تکمیل انجام می‌دهم.

مزمور ۱۹، آیات ۱ تا ۶، همانطور که مزمور ۱۹ اعلام می‌کند، خدا خود را در آفرینش، بیرون از ما آشکار می‌کند. او خود را در درون ما، در شریعتی که بر قلب‌های ما نوشته شده است، آشکار می‌کند. او خود را بیرون از ما آشکار می‌کند، اما در واقع شامل ما نیز می‌شود.

در اینجا تمرکز بر بیرون از ما، شامل خود ما، و نه درون ما، است. در مکاشفه عمومی بیرونی او، این اصطلاحی است که ما به کار می‌بریم. خدا خود را در شریعتش که بر قلب نوشته شده است، آشکار می‌کند.

یکی از جنبه‌های تصویر خدا، وحی عمومی درونی است. آنچه تاکنون در مورد آسمان و خورشید و غیره صحبت کرده‌ایم، وحی عمومی بیرونی اوست، وحی او در خارج از ما، اما شامل بدن‌ها و ذهن‌های ما و غیره نیز می‌شود. همانطور که مزمور ۱۹ اعلام می‌کند، خدا خود را در خلقت، خارج از ما آشکار می‌کند.

آسمان‌ها جلال خدا را بیان می‌کنند و فلک، عمل دست‌های او را اعلام می‌کند. کتاب مقدس استاندارد مسیحی. شاید دیدن ترجمه‌ای کمی متفاوت مفید باشد.

این، وحی عمومی بیرونی نامیده می‌شود. شیوه‌ی این وحی، خلقت خداست که برخی از دانش‌های خالق را آشکار می‌کند. ما هنوز تمام این دانش‌ها را خلاصه نکرده‌ایم.

ما همین الان شروع کردیم و گفتیم که این جلال او و این واقعیت را نشان می‌دهد که او خالق است. محتوای این خلقت، جلال و کار دست خداست، که نشان می‌دهد خدا وجود دارد و آشکار می‌کند که او شگفت‌انگیز است، به اندازه کافی قدرتمند است که این خلقت را خلق کند، به اندازه کافی هوشمند است، که درخشان است، تا این خلقت بسیار منظم را خلق کند. ما خیلی بیشتر از داوود می‌دانیم.

چه در مقیاس کلان به مطالعه جهان بپردازیم و چه در مقیاس خرد به مطالعه سلول بپردازیم، نظم و ترتیب شگفت‌انگیز است. این به یک نظم‌دهنده، به یک خالق، به یک سازنده اشاره دارد. زمان‌بندی این خلقت پیوسته است.

روز به روز، سخن می‌گویند؛ شب به شب، دانش را ابلاغ می‌کنند. آیه دوم، وسعت این وحی جهانی است. پیام آنها به تمام زمین و سخنانشان به اقصی نقاط جهان رسیده است.

آیه چهارم، جهان‌شمولی این وحی توسط خورشید خلاصه می‌شود، که، نقل قول، از یک سر آسمان طلوع می‌کند و تا سر دیگر آن می‌چرخد. نقل قول بسته، آیه ششم، کتاب مقدس استاندارد مسیحی. بنابراین، وحی عمومی بیرونی در همه جا و همه زمان‌ها رخ می‌دهد و وجود و جلال خدا و این واقعیت را که او خالق است، آشکار می‌کند.

این موضوع صرف نظر از تصرف انسان در این وحی بیان شده است، و مزمور ۱۹ از تصرف انسان در این وحی صحبت نمی‌کند، اما رومیان ۱ این کار را می‌کند. رومیان ۱، به تعبیری، تفسیری از عهد جدید است، نه به طور خاص، بلکه به طور کلی. در مورد مزمور ۱۹ و سایر متونی که می‌توان در مزامیر، اشعیا و ایوب به آنها استناد کرد، به عنوان مثال، رومیان ۱ برای ما خاص‌تر می‌شود.

رومیان ۱:۱۸ تا ۲۵، یک بار دیگر، می‌خواهم قبل از استخراج الهیات، یعنی آموزه‌ها از متن رومیان ۱، با متن کار کنم. به محض اینکه پولس موضوع خود را اعلام کرد، معتقدم توافق جهانی وجود دارد که بیان موضوعی رومیان در رومیان ۱:۱۶ و ۱۷ آمده است. پس از مقدمه پولس که در آن خود را به عنوان بنده خدا، یک رسول معرفی می‌کند، از الوهیت و انسانیت مسیح صحبت می‌کند، و سپس از آرزوی پولس برای آمدن به روم و خدمت به آنها در فصل ۱ رومیان ۱۶ و ۱۷، او به صراحت موضوع رومیان را بیان می‌کند. من از انجیل شرمنده نیستم، زیرا قدرت خداست برای نجات هر کسی که ایمان آورد.

اول برای یهودیان و همچنین برای یونانیان، زیرا در آن عدالت خدا از ایمان برای ایمان آشکار می‌شود همانطور که نوشته شده است، صالح به ایمان زیست خواهد کرد. من از انجیل شرمند نیستم، که می‌تواند به معنای شخصیت ادبی لائیتئوس باشد، تأیید یک نکته مثبت قوی با انکار یک نکته منفی. می‌تواند به این معنی باشد که من از انجیل شرمند نیستم، یا می‌تواند به این معنی باشد که من به شدت به انجیل افتخار می‌کنم.

ممکن است. در هر صورت، ما پیام او را دریافت می‌کنیم زیرا انجیل قدرت خداست. وقتی به آن فکر می‌کنید، این یک جمله‌ی ظالمانه است.

یک پیام، قدرت خداست. مجموعه‌ای از کلمات معادل یکی از صفات خداوند متعال، حتی قدرت او، در نظر گرفته می‌شوند. خوب، بله، چون پیام توسط خدا داده شده است، و او قدرت خود را به آن پیام متصل می‌کند. و گناهکاران را نجات می‌دهد، زندگی‌ها را دگرگون می‌کند، روح القدس خود را به آنها می‌دهد و غیره.

من از انجیل شرمند نیستم، زیرا انجیل قدرت خداست برای نجات هر کسی که ایمان بیاورد. پولس واقعاً بر اهمیت ایمان تأکید می‌کند. او این کار را از ابتدای رساله، از جمله همینجا، بارها در بیان هدف خود، انجام می‌دهد.

من فکر می‌کنم فصل ۱۰ بهترین جایی است که او این کار را انجام می‌دهد، اما او این کار را اینجا در بخش اول کتاب انجام می‌دهد که در آن نیاز به توجیه و سپس فراهم کردن آن توسط خدا و چگونگی دریافت آن را نشان می‌دهد، که رومیان ۴ است، یعنی از طریق ایمان. انجیل قدرت خدا برای نجات هر مؤمنی است، اول برای یهودیان و همچنین برای یونانیان. من فکر می‌کنم از همان صفحه اول انجیلش، او وضعیت کلیسای روم را در نظر داشته است که یهودیان و یونانیان تا حدودی با هم اختلاف دارند، همانطور که فصل ۱۴ و تا ۱۵ گواه آن است، و او می‌خواهد این را التیام بخشد و بنابراین تقریباً در هر مرحله از آشکار کردن پیام انجیل از طریق کتاب، در مورد یهودی و غیریهودی صحبت می‌کند.

زیرا در انجیل، عدالت خدا از ایمان به ایمان آشکار می‌شود. برداشت من این است که همین عبارت دو بار، دو بار دیگر در همان زمینه از دوم قرن‌تایان استفاده شده است. در واقع، من یک فصل را گم کرده‌ام.

این فصل ورود به پیروزی است. شاید آن فصل ۳ باشد. بله، دوم قرن‌تایان ۳، که در آن پولس می‌گوید انجیل عطر زندگی برای زندگی برای مؤمنان و مرگ برای مرگ برای کافران است، و معنای انجیل، تصویر بازگشت، فاتحان است که برخی از اسیران خود را که زنده نگه داشته بودند تا به عنوان غنیمت به امپراتور تقدیم کنند هدایت می‌کنند و قبل از اینکه احتمالاً آنها را بکشند، عذاب می‌دهند و برای آن اسیران بیچاره بوی عود که در حال رژه رفتن است را استشمام می‌کنند و بوی بدی می‌دهد. مثل جشن سوپربول یا آخرین بازی سری جهانی است. یک تیم آنقدر بالا است که تیم دیگر فقط روی شکم‌هایش می‌خزد.

آنها، چه در اوج و چه در فرود، بسیار دل‌سرد هستند. او می‌گوید این بوی مرگ برای مرگ است. یعنی، بوی خود مرگ است.

این برای فاتحان واقعاً بوی مرگ است. آه، چه بوی شیرینی دارد. این عطر زندگی برای زندگی است، خود زندگی، واقعاً زندگی.

به همین ترتیب، من معتقدم که در اینجا باید آن را توضیح دهیم: در انجیل، عدالت خدا از ایمان، از ایمان به ایمان، از ایمان در واقع، از ایمان، از ایمان، از ابتدا تا انتها، طبق برخی ترجمه‌ها آشکار می‌شود. همانطور که

نوشته شده است، و او از حبقوق نقل می‌کند، صالحان به ایمان زیست خواهند کرد. بنابراین، موضوع رومیان خبر خوش، انجیل است که وحی عدالت نجات‌بخش خدا از طریق ایمان به مسیح است.

اما در آیه ۱۸، پولس شروع به صحبت در مورد عدالت نجات‌بخش خدا نمی‌کند. در عوض، او در مورد عدالت محکوم‌کننده خدا صحبت می‌کند. زیرا خشم خدا از آسمان علیه هرگونه بی‌دینی و بی‌عدالتی انسان‌هایی که حقیقت را سرکوب می‌کنند، نازل می‌شود. تا سال ۳۲۱ نیست که پولس به موضوع خود بازمی‌گردد.

از ۱:۱۸ تا ۳:۲۰، او گودالی عمیق حفر می‌کند و نشان می‌دهد که تمام جهان در گودال افتاده و نمی‌تواند خود را نجات دهد. این فقط در ۳۲۱ است. به عبارت دیگر، پولس فکر می‌کند که بسیار مهم است که قبل از اینکه برود و انجیل را که در همان عبارت موضوعی ۱:۱۶ و ۱۷ و ۳:۲۱ معرفی کرده است، توضیح دهد که مردم گناهکارند، آنها تحت خشم خدا هستند و در شرایط سختی قرار دارند.

اما اکنون، عدالت خدا آشکار شده است. جدا از شریعت، این به معنای حفظ شریعت است، اگرچه شریعت و پیامبران به آن شهادت می‌دهند، عدالت خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح برای همه کسانی که ایمان می‌آورند. من در برابر وسوسه‌ای که وسوسه هر متکلم اصلاح‌شده‌ای است، برای کار بیشتر با رومیان مقاومت خواهم کرد. قرار نیست اکنون رومیان را به طور کامل آموزش دهم، بلکه قرار است وحی خدا در خلقت، رومیان ۱:۱۸ و آیات بعدی را تدریس کنم.

موضوع او عدالت نجات‌بخش خداست، اما حالا شروع به صحبت در مورد عدالت داوری‌کننده‌ی خدا می‌کند. خشم خدا از آسمان نازل می‌شود، رومیان ۱:۱۸، علیه هرگونه بی‌دینی و بی‌عدالتی مردمی که با بی‌عدالتی خود حقیقت را سرکوب می‌کنند. چه حقیقتی؟ ما در مورد چه حقیقتی صحبت می‌کنیم؟ آنها آن را سرکوب می‌کنند، به این معنی که این حقیقت به نوعی به آنها می‌رسد.

شما نمی‌توانید چیزی را که نمی‌دانید سرکوب کنید. اوه، او توضیح می‌دهد، زیرا آنچه می‌توان در مورد خدا دانست برای آنها آشکار است. پسر، پولس توجه آنها را جلب کرده است. او در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟ زیرا خدا آن را به آنها نشان داده است.

پولس ادعا می‌کرد که خدا چیزی، احتمالاً چیزی درباره خودش، را به انسان‌ها آشکار کرده است و خدا از آنها خشمگین است؛ خشم خدا از آسمان نازل می‌شود به دلیل سرکوب این دانش، از این وحی، از این اطلاعاتی که از خدا دریافت می‌کنند. و این توضیح اوست. زیرا، این یک کلمه توضیحی به زبان یونانی است، توضیح می‌دهد، زیرا صفات نامرئی او به وضوح درک شده‌اند.

پولس، اول از همه، تو قدرت خدا را با یک پیام یکی می‌دانی، که تصویری واضح است، اما این از نظر فنی درست نیست. صفات خدا فقط صفات او هستند. اوه، اما او چنان به قدرت خود در این پیام نجات‌بخش وابسته است که می‌توان گفت، اگرچه به معنای واقعی کلمه یکی از قدرت‌های خدا نیست، اما در واقع یک پیام قدرتمند است.

و حالا، چطور می‌توانید صفات نادیدنی خدا را ببینید؟ این غیرممکن است. خب، او آنها را از طریق چیزهایی که آفریده است، قابل مشاهده می‌کند. برای صفات نادیدنی‌اش، و او به ما می‌گوید که آنها در اینجا چه هستند، یعنی قدرت ابدی و ذات الهی‌اش.

مزمور ۱۹، جلال او و این حقیقت که او یک اثر هنری خلق کرده است، این خالقیت اوست، اگر بخواهیم بگوییم، خالقیت اوست. در اینجا، صفات نامرئی خدا، یعنی قدرت ابدی و ذات الهی او، به وضوح درک شده‌اند. انسان‌ها این چیزها را می‌بینند.

از زمان آفرینش جهان، آن مزمور ۱۹، تداوم وحی در آفرینش، در چیزهایی که آفریده شده‌اند، وجود دارد. او همان‌طور که از زمان آفرینش، قدرت خدا و این واقعیت که او خداست، ذات الهی او و الوهیت او توسط بشر دیده شده است.

این صرفاً به معنای آشکار شدن این حقایق نیست، همان‌طور که در مزمور ۱۹ آمده است. اکنون در مورد انسان‌هایی صحبت می‌شود که این وحی را دریافت می‌کنند. خدا از گناهکاران خشمگین است زیرا آنها حقیقت او را سرکوب می‌کنند.

او درباره چه چیزی صحبت می‌کند؟ خداوند برخی از صفات خود را برای آنها آشکار کرد، در اینجا او به قدرت و الوهیت خود در چیزهایی که از زمان خلقت آفریده است اشاره می‌کند. آنها، به زبان مزمور ۱۹، درباره خدا شهادت می‌دهند. نتیجه این است که آنها هیچ عذری ندارند.

خشم او از آسمان نازل شده است. انسان‌ها غیرقابل بخشش هستند زیرا خدا خود را در جهانی که آفریده است به آنها آشکار کرده است. زیرا اگرچه آنها خدا را می‌شناختند، آیا این به معنای نجات آنها بود؟ خیر.

ما باید هر کلمه‌ای را در هر زمینه‌ای از هر ادبیاتی تعریف کنیم، اما در اینجا، شناخت خدا به معنای شناخت پروردگار و ناجی ما عیسی مسیح نیست، بلکه دقیقاً همان‌طور که متن به ما گفته است، شناخت وجود و قدرت و الوهیت خدا، به واسطه چیزهایی است که او آفریده است. اگرچه آنها خدا را شناختند، اما او را به عنوان خدا تکریم نکردند یا از او تشکر نکردند، بلکه در تفکر خود پوچ شدند و قلب‌های نادانشان تاریک شد. در اینجا، چیزی اضافه شده است که در مزمور ۱۹ وجود ندارد، و آن گناه انسان است.

و ما قبلاً ایده‌ای را که در سرکوب، در آیه ۱۸، که کل این بخش را معرفی کرد، معرفی شده است، داریم. وحی خدا به گناهکاران می‌رسد، اما چون آنها گناهکار هستند، آن را تحریف می‌کنند، سرکوب می‌کنند، تحریف می‌کنند، و اگرچه آن دانش به آنها می‌رسد و آنها از خدا آگاه هستند، همان‌طور که کالوین گفته است، یک حس وجود دارد الهیات، نوعی آگاهی از خدا وجود دارد. آنها خدا را نمی‌پرستند.

اوه، آنها ممکن است خدایان را پرستند، اما نه خدای حقیقی و زنده را. هیچ مشکلی در وحی وجود ندارد. ایستگاه رادیویی خدا، خدا، انجیل خود را، نه انجیل خود را، بلکه وحی خدا را دائماً، در همه جا، برای همه پخش می‌کند.

اما مشکل چیست؟ مشکل این است که گیرنده‌های ما دچار پارازیت هستند، رادیوهای ما دچار اختلال شده‌اند و ما پیامی را که از جانب خدا می‌آید، تحریف می‌کنیم. این انجیل نیست. این مربوط به بسیاری از صفات خدا است، اما نه فیض او، نه بخشش گناهان، نه مرگ و رستخیز عیسی.

ادعای حکمت می‌کردند، اما احمق شدند و جلال خدای جاودان را با تمثال‌هایی شبیه انسان فانی و پرندگان و حیوانات و خزندگان عوض کردند. وحی و خلقت خدا به انسان‌ها می‌رسد، اما نتیجه آن پرستش خدا نیست. نتیجه بت‌پرستی است.

نه تنها این، بلکه همانطور که در اعمال نفسانی در غلاطیان ۵ آمده است، آنها را گناهان مذهبی، بت‌پرستی و موارد مشابه دیگر می‌نامیم. بگذارید دقیقاً ببینم موارد مشابه دیگر چیستند. بت‌پرستی و جادوگری در غلاطیان ۵:۲۰ ذکر شده است. بنابراین، در اینجا، گناهان مذهبی بت‌پرستی با گناهان جنسی مرتبط هستند.

اعمال نفس، حالا اعمال نفس، آشکار هستند. فساد جنسی، ناپاکی، شهوت‌رانی، گناهان جنسی، بت‌پرستی، جادوگری، گناهان مذهبی، می‌توانیم آنها را اینگونه بنامیم. بقیه فهرست به گناهان بین فردی مربوط می‌شود که دقیقاً همان چیزی است که در غلاطیان غالب بود و آنها برای اصلاح آن به میوه روح نیاز داشتند، اما من این را کنار می‌گذارم.

من فقط برای این منظور به آنجا رفتم تا نشان دهم که نه تنها در رومیان ۱، بلکه در غلاطیان ۵، پولس گناهان مذهبی و گناهان جنسی را با هم ترکیب می‌کند. در آنجا، گناهان جنسی، عمدتاً گناهان جنسی دگرجنس‌گرایانه، مد نظر پولس است. در اینجا گناهان جنسی همجنس‌گرایانه مد نظر اوست.

بنابراین، خدا ایشان را در شهوت دلشان به ناپاکی و بی‌آبرویی بدن‌هایشان در میان خودشان واگذاشت، زیرا حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند. این دومین بار است که به این معاوضه اشاره می‌شود. این عمل زشت است.

آیه ۲۳، جلال خدا، جلال خدای جاودان را با تصاویر معاوضه کردند. ۲۵، حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق که تا ابد متبارک است، پرستش و خدمت نمودند. آمین.

و آیات بعدی درباره گناهان جنسی، به ویژه از نوع همجنس‌گرایانه آن، صحبت می‌کنند. ممکن است این سوال در ذهن شما ایجاد شود، سوالی که در ذهن من هم مطرح می‌شود: چرا غلاطیان ۵ و رومیان ۱ گناهان مذهبی را با هم ترکیب می‌کنند؟ چه تناقضی بین این دو با گناهان جنسی وجود دارد. زیرا هر دوی این حوزه‌ها، هر دو نوع گناهان، درباره حوزه‌هایی از جنبه‌های زندگی انسان صحبت می‌کنند که ما را تعریف می‌کنند.

در بدو تولد نوزاد، ما می‌گوییم، این دختر است، این پسر است. و بنابراین، آدم و حوا نیز نه تنها به صورت او مرد و زن آفریده شدند، بلکه خدا آنها را به صورت خود آفرید، مرد و زن، او آنها را آفرید، و آنها نیز به صورت او آفریده شدند. آنها برای رابطه با خالق خود آفریده شدند.

ما موجوداتی با جنسیت مشخص هستیم و موجوداتی مذهبی؛ ما پرستشگر هستیم. البته، ممکن است مانند افراد رومیان ۱ چیزهای اشتباهی را پرستش کنیم، و ممکن است از نظر جنسی نیز گناه کنیم، اما هر دوی اینها هویت ما را به عنوان حاملان تصویر خدا تحت تأثیر قرار می‌دهند. در سخنرانی بعدی‌مان، از همین الگو پیروی خواهیم کرد و به یادداشت‌ها بازخواهم گشت و برخی از اصولی را که در متن به آنها پرداختیم، مشخص روشن و شفاف خواهیم کرد.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه در کتاب مقدس. این جلسه ششم، معنی و نیاز ما به مکاشفه است. مکاشفه عمومی بیرونی، مزمو ۱۹: ۱-۶ و رومیان ۱: ۱۸-۲۵.